

مروری بر زندگانی و آثار

افسر و اختر، دو شاعر خوانساری

حمیدرضا میرمحمدی

مقدمه

۱. محمد جواد ولایی (افسر)

مرحوم محمد جواد ولایی متخلص به افسر، از شعرای معاصر خوانسار بوده و در سال ۱۲۷۰ متولد شده است. مدار زندگانی وی بر نویسندگی لوایح و اسناد می گذشته است. با آنکه در مکتب‌خانه‌های قدیم خواندن و نوشتن را آموخته بود، لیکن اشعار در خور توجهی را سروده است. تقریباً تمامی اشعار وی در بیان مدایح ائمه اطهار و مرثیاتی ایشان است. وی در سال ۱۳۴۷ دار فانی را وداع نمود و به سوی معبود شتافت. چند بیت از ماده تاریخی که او خود برای وفاتش سروده است، بدین قرار است:

یارب جواد همچو سگی بسته بر در است
خاک سیاه معصیتش بر سر است
دستش تهی ز علم و عمل لیکن ای کریم
قلاده بر گردنش از مهر حیدر است ...
افسر به ناله گفت پی تاریخ فوت خود:
«قطع وصالی از همسورو به دلبر است»^۱: ۱۳۴۷

شهر زیبا و کهن خوانسار که ریشه در تاریخ و فرهنگ کهن ایران دارد، و رای زیبایی طبیعی آن-که زبانزد خاص و عام گشته است- در هر عصر و زمانی مجمع علما، فضلا، حکما، شعرا، خوشنویسان، ظرفا و هنرمندان بسیاری بوده است. در این میان، جمعی از بزرگان این خطه کهن را شعرای آن تشکیل می داده‌اند. سخن در خصوص این بزرگان، بسیار است و این مهم را به وقتی دیگر وامی گذاریم. شرح حال یک صد تن از شعرای پنج قرن اخیر خوانسار در تذکره شعرای خوانسار آمده است.^۱ البته به این افراد باید تعداد قابل توجه دیگری افزود؛ همچون: مرحوم سید محمد واعظ متخلص به وهاج، فرسود، کامل، ذبحی، کمال و ...

در این میان، برخی از شعرا نیز از مقام روحانی، علمی و مذهبی شامخی برخوردار بوده‌اند و ذکر آنان صرفاً به عنوان شاعر، کافی نیست؛ همچون: مرحوم علامه آقا حسین خوانساری -رحمة الله علیه- مرحوم حکیم زاللی خوانساری، مرحوم ملا محمد حسن، متخلص به جناب، از فضلالی اهل منبر، حقی از مشایخ عظام و از پیرزاده‌های خوانسار، سید ابوالقاسم معروف به میرکبیر (صاحب مناہج المعارف) و ده‌ها نمونه دیگر.

در این جا با اشاره‌ای به زندگانی و آثار مرحوم افسر و اختر خوانساری، که تحصیلات حوزوی و دانشگاهی نداشته‌اند، بسنده می نمایم.

۱. تذکره شعرای خوانسار، یوسف بخشی، تهران، مطبوعاتی میرپور، ۱۳۳۶.
۲. برگرفته از سنگ قبر ایشان واقع در قبرستان موسوم به باقلعه در غرب شهر خوانسار.

آثار افسر

مجموعه اشعار مرحوم افسر را بالغ بر دویست هزار بیت قلمداد کرده اند.^۳ از ایشان آثاری چند تاکنون طبع و منتشر گردیده است که عبارتند از:

۱. قیام عاشورا.
 ۲. نهضت عاشورا، که شامل مصائب و مرثی ائمه اطهار - سلام الله علیهم - می باشد و کراراً به طبع رسیده اند.
 ۳. اسرار فاطمیه، در مناقب و مصائب حضرت صدیقه کبرا فاطمه زهرا - سلام الله علیها.
 ۴. شمس و قمر عاشورا، که اخیراً منتشر گردیده است.
- از آثار منتشر نشده ایشان می توان «مصباح العشق حسینی» را نام برد که از سوی ایشان تنظیم شده است. علاوه بر آن مثنوی های دیگری از وی موجود است که هنوز منتشر نگردیده است. ماده تاریخ های بی شماری از وی به یادگار مانده است که هر کدام در تاریخ خوانسار قابل توجه است؛ به ویژه ماده تاریخ هایی که در فوت علما، حکما، شعرا، هنرمندان، بنای مساجد، تکایا و حسینیه ها سروده، دارای ارزش بسیار است.

افکار و اندیشه های افسر

افسر به عنوان یکی از شعرا اهل بیت (ع) مردی گوشه نشین و غمزه به نظر می آمد و با ناملایمات و سختی های زندگانی دمساز و همراز بوده است و تنها توجه و عشق او به ائمه اطهار (ع) بود؛ به ویژه ارادتی خاص به اباعبدالله الحسین (ع) داشت. خود در این باره می گوید:

افسر گمنام به دوران عمر
جز الم عشق نیاموخته است.^۴

مرحوم افسر در طول مدت هفتاد و اندی سال عمر خویش، توجهی خاص به مسائل مذهبی، اجتماعی و اخلاقی داشت و اشعار بسیاری در این ارتباط سرود که متأسفانه هنوز منتشر نگردیده است.

در اکثر اشعار وی به گونه ای به واقعه غم انگیز کربلا و مصائب حضرت سیدالشهدا (ع) (حتی در برخی از ماده تاریخ ها) اشاره گردیده است. چنانکه خود گوید:

افسر تو در این خرابه خوانسار
چون جغد نشین فراز دیوار
تا هست توان تو را حسین گو
گم کرده خود تو از حسین جو.^۵

از جمله اشعار منتشر نشده ایشان چکامه ای است در تخریب

مسجد آقا اسدالله خوانسار برای احداث خیابان و تصاحب حسینیه موسوم به «دوره» از سوی عمال دولتی وقت، که ابیاتی از آن چنین است:

دو دیده همچو مهر و ماه پر نور
در این خوانسار ما هر دو شدند کور
حسینیه مه و مسجد چو خورشید
مهمش تابنده مهرش می درخشید
مهمش سفیانیان ویرانه کردند
ز مولا خویش را بیگانه کردند
فتادی مهر چشمانش چو بر خاک^۶
در باره حجاب می گوید:

غنچه گر پرده نبودی به بر زیبایش
یا که مستوره نبودی قد سرو آسایش
کی توانست بماند به چمن ها محفوظ
یا آمان بود ز تاراج چمن آرایش
چون که از پرده برون آمد بشکفت پرش
ناظرش چید و برد باد سحر هر جایش
نه دگر منزلت غنچه نشکفته در اوست
نه دگر در چمن است مسکنی و مأوایش
بانویی نیز که چون غنچه پس پرده رود
در حجابست رخ و خد و قد و بالایش
افسرا کشور ما کشور حق بینان بود
کرده بیگانه چنین تیره و نابینایش

۲. محمد حسین شفیع (اختر)

مرحوم محمد حسین شفیع متخلص به اختر و ملقب به صدر المشایخ از فضلا، ادبا، خوشنویسان و شعرای خوانسار

۳. مجموعه اشعار وی در تذکره شعرای خوانسار، ص ۱۹، بالغ بر دویست هزار و در مقدمه کتاب شمس و قمر عاشورا، بالغ بر یک صد و بیست هزار بیت عنوان گردیده است.

۴. تذکره شعرای خوانسار، ص ۲۱ و نیز شمس و قمر عاشورا، ص پنج.

۵. نقل به اختصار از کتاب شمس و قمر عاشورا، ص ۳۲-۳۴.

۶. برگرفته از چکامه ای که تحت عنوان «خوانسار سیل زده» در مرداد ماه ۱۳۳۵ سروده است.

۷. اشاره به گلسته های مسجد آقا اسدالله که تخریب گردیده بود.

بجامه چاك زد اختر بجد و زد آهي
شدم و حید که رفت از جهان بدیع زمان
بگو چه خاك نمايم بسر ز هجر دمی
که نیست لوح کمالی چنین در این دوران
بین بسال وفات از حساب هر مصراع
بدان به خلد برین کرد جا بدیع جوان

از نظر ادبی آثار پراکنده ایشان شامل اسناد و لوایحی که توسط وی به مناسبت های مختلفی همچون انشای و قفنامه ها، اسناد مربوط به تقسیم آب انهار داخل شهر خوانسار، تنظیم اجاره نامه های موقوفات و ... از ایشان به یادگار مانده است، هر کدام نشان از ذوق ادبی و هنری وی دارد. آنچه اکنون در دسترس نگارنده است مقدمه ای است ادیبانه که مرحوم اختر بر دیوان خطی سید محمد واعظ (ملقب به صدر الواعظین^{۱۱}) نگاشته است. ذکر این نکته ضروریست که دیوان خطی سید محمد واعظ از فضلا و خطبای اهل منبر و از شاعران بنام خوانسار نیز به همت و تلاش وی جمع آوری و به همراه مقدمه ای زیبا به صورت اثری ماندگار درآمده است.^{۱۲} بخش هایی از این مقدمه چنین است:

ستایش کریمی را سزاست که صورت زیبای سخن را
چنان به طراز خامه عذب البیان رطب اللسان مطرز
ساخت که عندلیب هزارستان نیز به گلستان سخنوری

۸. بقعه شیخ ابا عدنان (باباپیر) از جمله آثار باستانی خوانسار و مربوط به قرن هفتم هجری است.

۹. ر.ک: تذکره شعرای خوانسار، ص ۱۶.

۱۰. اشاره به نام بدیع «میرزارضا» است.

۱۱. سید محمد متخلص به وهاج فرزند علی اصغر متوفای سنه ۱۳۱۹ از جمله شعرای بزرگ خوانسار است که تقریباً تمام سروده های ایشان در مدح ائمه اطهار - سلام الله علیهم اجمعین - و به ویژه واقعه غم انگیز کربلاست. دیوان خطی وی (آنچه باقی است) شامل ۱۵۰ صفحه و ۲۳۰۰ بیت است. وی در قبرستان شرقی شهر خوانسار مدفون و ماده تاریخ وفات وی را نیز مرحوم اختر بدین شرح سروده و بر لوح قبر ایشان نقش بسته است:

شد چو سید محمد از دوران
فرش تا عرش پر شد از افغان
قطع شد فیض و نسخ شد احکام
مانند منبر تپی ز سحر بیان
چون برون رفت زین سرای غرور
سوی فردوس گشت جاویدان
گفت اختر برای تاریخش
او به قصر جنان گرفته مکان: ۱۳۱۹

۱۲. دیوان خطی وهاج در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

بوده است و نسبتش به شیخ ابا عدنان عارف مدفون در بقعه پیر^۸ واقع در محله سرچشمه خوانسار می رسد. مرحوم اختر علاوه بر موقعیت ممتاز معنوی و روحانی، در زمینه شعر و شاعری و خوشنویسی نیز مهارتی تام داشته است؛ به گونه ای که در گفتن ماده تاریخ او را همپایه نصرآبادی و آتش اصفهانی دانسته اند^۹ وی به مناسبت های مختلف ماده تاریخ های بسیار، به ویژه در وفات بزرگان و علمای شهر خوانسار سروده است که اکثراً بر قبور مؤمنین نقره شده است و از نظر ادبی و تاریخی در بررسی تاریخ خوانسار درخور توجه است. متأسفانه تاکنون مجموعه ای از اشعار ایشان جمع آوری نگردیده و آنچه بیشتر در دست است، همان ماده تاریخ هایی است که بر قبور بزرگان شهر نقش بسته است. به جاست حداقل همین ماده تاریخ های برجای مانده به عنوان اثری ماندگار از وی تدوین شود.

از میان بی شمار ماده تاریخ های نقر شده بر قبور مؤمنین شهر خوانسار، نگارنده ماده تاریخی را که مرحوم اختر در وفات مرحوم نظام الشریعه بدیع از شعرای معاصر خوانسار سروده است، به عنوان نمونه ای از آثار وی نقل می نماید. این ماده تاریخ مشتمل بر دوازده بیت و هر بیست و چهار مصراعش برابر ۱۳۲۹ سال وفات بدیع است. ده بیت از این ماده تاریخ بر لوح قبر بدیع چنین نقر شده است:

فغان و آه بدیع ادیب، زود و جوان
برفت با دل پردرد از این بساط جهان
جهان فضل و کمال، آسمان مجد و جلال
بهین دهر و جهان خرد بدیع زمان
نظام زهد لبیب جهان و بدر ادب
و حید بود و سخن آفرین بسان حسان
کمال علم جهان رفت ها ز مرگ بدیع
نمود زود رضای^{۱۰} بدیع جا بجنان
نشان نداده عدلیش کسی در این دامن
عیان ندیده قرینش ز مادر این سامان
بهر که بنگری از خون دل نموده دوا
بهر کجا گذری آه و ناله بی پایان
چو شد بجانب فردوس جای جان گفتم
شد ابن مقله ثانی همال جان بجنان

حکمت دوستانه رفع می کرد که خبر به بالا نرسد. ۱۴ متن حکم صدرالمشایخ از سوی ظل السلطان چنین است:

چون مرحوم صدرالمشایخ خوانسار فوت شده و مراتب شایستگی و لیاقت جناب فضایل مآب حاجی شیخ حسین عموزاده او توسط مؤتمن السلطان علیخان سرتیپ بیگلربیگی به عرض رسید، به موجب این خطاب مطاب از بدو السنه جناب مشارالیه را به لقب و خطاب صدرالمشایخ ملقب و به پیک فوت عباى ماهوت مخلع فرمودیم که با نهایت امیدواری مشغول دعاگویی دوام دولت جاوید است قاهر باشد. مقرر اینکه عموم اهالی خوانسار جناب مشارالیه را صدرالمشایخ دانسته احترامات لایقه او را بیشتر از پیش مرعی دارند و حسب المقرر در عهده شناسند.

شهر شعبان المعظم ۱۳۱۳

وفات مرحوم صدرالمشایخ

سرانجام مرحوم صدرالمشایخ پس از عمری زهد و تقوا و خدمت با نیک نامی دارقانی را در سنه ۱۳۳۶ و داغ و از دلهره آلوده شدن به گناه در کار قضاوت آسوده خاطر شد. پیکر مطهرش در قبرستان شرقی خوانسار (مجاور خیابان ۱۳ محرم فعلی) به خاک سپرده شد. ۱۵ در ماده تاریخی که مرحوم اختر در تاریخ وفات خویش سروده و بر لوح قبر ایشان نقش بسته است، چنین آمده است:

از حادثات دهر حسین شد چه ناتوان
قصدر حیل کرد و همی گفت با فغان
آن کس که با ولای علی شد چه غم خورد
ز اندیشه حساب که داندشان مغان
فردا که عاصیان شفیعی کنند رو
دستی بزن به دامن سلطان انس و جان
اختر برای سال وفات خودت بگو
رفتم چه با ولای علی فاش از جهان: ۱۳۳۶

شکر تاخت و نوای «انا املح» در شهرستان فصاحت انداخت و طوطی شیرین زبان در شکرستان نکته پروری لرای «انا انصح» در میدان بلاغت افراشت و عبارات رنگین را به معانی دلنشین و الفاظ نمکین با ملاحظه انباشت، و درود نامحدود سید و سروری را مهیاست که طراح گلشن سخندانی است و گلچین گلستان معانی. گلشن رسالت از نشو نهالش رشک روضه رضوان و حور است و بزم نبوت از شمع جمالش داغ شعله سینا و طور آن خواجه که قرب حق بود مایه او

معراج بود پست ترین پایه او

و آگ اظهار و عترت اختیار او - صلوات الله علیهم اجمعین. اما بعد چنین گوید بنده احقر این مرحوم حاجی شیخ محمد شفیع خوانساری حسین متخلص به اختر - عفی عنهما - که خرمن پر ثمن عرفا و فضلا را خوشه چین و مجمع ادبا و شعرا را خادمی کمین است ... دارالاحیاء خوانسار مجمع عرفا و فضلا و منبع ظرفا و شعرا است و همچنان که در سرفا ایام معدن علمای اعلام و مسکن افاضل انام بود، در این زمان نیز محل فحول محققین و مرجع مستعدین و مدققین است و مخزن کنوز علوم و منزل صاحب کمالان هر مرز و بوم. هویاش با طیب و طرب آویخته و بر شاخ درختانش سبب و رطب آمیخته است ... ۱۳

به مناسبت مقام شامخ روحانی و معنوی مرحوم اختر در بین مردم خوانسار، محضر ایشان همواره ملجأ و مأوی مؤمنین و محل رجوع قاطبه مردم از خوانسار و اطراف و اکناف بوده و ایشان سعی وافر در رتق و فتق امور مردم داشته و به همین سبب اکثر شکوائیه ها، دعاوی و مشکلات موجود با درایت ایشان حل و فصل می گشته است. هنگامی که در سنه ۱۳۱۳ مرحوم حاج شیخ جواد صدرالمشایخ خوانسار وفات یافت، مردم از محضرش تقاضای پذیرش رسمی امر قضاوت را نمودند و ایشان به حسب احتمال آنکه مأموران دولتی وقت در امر قضاوت دخالت نمایند و مانع از اجرای احکام الهی شوند، از پذیرش آن خودداری نمود. «این خبر به وسیله بیگلربیگی که یکی از کارگزاران حکومت در گلپایگان و خوانسار بود به گوش ظل السلطان پسر ناصرالدین شاه، حاکم اصفهان و فارس رسید. او دستور داد با فرستادن یک ثوب عبا و یک عصا و با صدور حکم صدرالمشایخ، وی را به سمت قاضی شرع انتخاب نمایند. با صدور این حکم آن مرحوم که روحی آرام داشت، ترس و وحشت او را فرا گرفت. به همین جهت اختلافات را با

۱۳. به نقل از ص ۲۱ و ۲، دیوان وهاج.

۱۴. صدر، خوانساری حسین، حکومت ها و ملت ها، انتشارات عطار، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۷.

۱۵. قبر ایشان امروزه مقابل کوچه ای موسوم به کوچه «صدری» قرار دارد. این کوچه را به مناسبت آنکه محل سکونت مرحوم صدرالمشایخ بوده است، بدین نام نامیده اند.